



حقوق طبیعی بشر

دکتر محمدحسین طالبی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۲

طالبی، محمدحسین، ۱۳۴۲-

حقوق طبیعی بشر / محمدحسین طالبی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه، ۱۴۰۲.

پانزده، ۳۶۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۷۱۰: حقوق؛ ۸۸)

ISBN: 978-600-298-138-7

بها: ۲۵۲۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه. همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. حقوق بشر. ۲. Human rights. ۳. حقوق بشر-تاریخ. ۴. Human rights-History. ۵. حقوق بشر-جنبه‌های مذهبی-اسلام. ۶. Human rights-Religious aspects-Islam. ۷. حقوق طبیعی. ۸. Natural Rights. ۹. حقوق طبیعی-تاریخ. ۱۰. Natural Rights-History. ۱۱. حقوق طبیعی (اسلام). ۱۲. Natural Rights-Religious aspects-Islam. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۳۴۱/۴۹۸۱

۱۳۹۵ ح ۷ ط ۱۵ / K۳۳۴۰

شماره کتابشناسی ملی

۴۴۷۷۸۷۰



حقوق طبیعی بشر

مؤلف: دکتر محمدحسین طالبی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه

صفحه‌آرا: اعظم یزدلی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ-قم-سبحان

قیمت: ۲۵۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۱۳۸-۷

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوط برداشته شود؛ از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های معاونت پژوهش حوزه برای نیل به هدف یادشده، سیزدهمین اثر مشترک خود را با عنوان «حقوق طبیعی بشر» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. این کتاب به‌عنوان منبع درسی برای استادان، محققان و دانشجویان رشته‌های فلسفه، حقوق، حقوق بشر، علوم سیاسی و فلسفه‌های مضاف که به نوعی با مسئله حقوق بشر سروکار دارند، همانند فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و به‌ویژه فلسفه حق و فلسفه حقوق بشر نگاشته شده است، البته دیگر علاقه‌مندان به حقوق بشر نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان، لازم می‌دانیم از تلاش‌های نویسنده گرامی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدحسین طالبی و نیز ارزیابان محترم این طرح، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سیدمحمود نبویان و دکتر محمدجواد جاوید صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی
معاونت پژوهش حوزه

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

فهرست اجمالی

۱.....	پیشگفتار.....
۷	فصل اول: مفاهیم، مبانی و تاریخچه.....
۹۳	فصل دوم: عقل عملی و آموزه سعادت
۱۲۱	فصل سوم: نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر
۱۵۹.....	فصل چهارم: مصادیق حقوق طبیعی بشر
۳۱۳.....	منابع و مأخذ.....
۳۲۷.....	نمایه‌ها.....

فهرست تفصیلی

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: مفاهیم، مبانی و تاریخچه	
مقدمه	۹
مبحث اول: مفاهیم مربوط به حقوق طبیعی بشر	۱۰
گفتار اول: تعریف حق	۱۰
گفتار دوم: طبیعی بودن حق	۱۲
۱. طبیعت و قانون طبیعی	۱۳
الف) طبیعت	۱۳
ب) قانون طبیعی	۱۵
الف) اراده خدا	۱۵
ب) عقل بشر	۱۶
ج) طبیعت غریزی انسان	۲۰
د) نظام (نظم و ترتیب) موجود در جهان	۲۲
۲. حق طبیعی	۲۳
گفتار سوم: ماهیت حقیقی بشر	۲۵
انسان‌شناسی فلسفی - دینی	۲۶
حقیقت انسان از نظر عقل	۲۷
ناطق یعنی عاقل	۲۷
معنای عقل در انسان و اقسام آن	۲۸

۳۰	حقیقت انسان از نظر وحی
۳۵	اختلاف ماهیت در انسان‌ها
۳۶	تعریف کار نیک
۳۷	اعتقاد به خدا لازمه عقل عملی و لازمه انجام کار نیک
۳۸	درجات تشکیکی حقیقت انسان
۴۰	خروج از دایره انسانیت
۴۳	گفتار چهارم: تعریف حقوق بشر
۴۵	مبحث دوم: مبانی حقوق طبیعی بشر
۴۶	گفتار اول: اصل توحید
۴۶	۱. توحید ذاتی
۴۶	۲. توحید صفاتی
۴۷	۳. توحید افعالی
۴۷	۴. توحید عبادی
۴۸	گفتار دوم: هدفمند بودن جهان و اصلح بودن نظام آفرینش
۵۱	گفتار سوم: جایگاه انسان در جهان هستی (غایت خلقت انسان: رسیدن او به مقام انسان کامل)
۵۲	گفتار چهارم: ابتدای باید‌ها بر هست‌ها
۶۱	گفتار پنجم: ارتباط حقوق طبیعی و سعادت
۶۳	مبحث سوم: تاریخچه حقوق طبیعی بشر
۶۴	گفتار اول: حقوق بشر در مشرق‌زمین پیش از دوره غربی یونان باستان
۶۵	حقوق بشر از نگاه ادیان ربانی
۶۷	حقوق بشر در خاورمیانه باستان
۶۸	حقوق بشر در شرق دور باستان
۶۹	گفتار دوم: حقوق بشر در غرب در دوره یونان و روم باستان
۶۹	حقوق بشر در یونان باستان
۷۱	حقوق بشر در روم باستان
۷۴	گفتار سوم: حقوق بشر در مسیحیت اولیه و قرون میانه

۷۴ حقوق بشر در دوره مسیحیت اولیه (قرن اول تا چهارم میلادی)
۷۶ حقوق بشر غربی در قرون میانه (قرن ۵ تا ۱۴ میلادی)
۷۷ گفتار چهارم: حقوق بشر در دوره جدید و معاصر در غرب
۷۸ حقوق بشر غربی در عصر نوزایی (قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی)
۷۹ حقوق بشر غربی در اندیشه پروتستان اولیه (قرن ۱۷ میلادی)
۸۱ حقوق بشر در عصر روشنگری (قرن ۱۸ میلادی)
۸۳ حقوق بشر در قرن ۱۹ میلادی
۸۵ حقوق بشر در دوره معاصر
۸۸ گفتار پنجم: حقوق بشر در اسلام
۸۹ حقوق بشر در عصر پیامبر اسلام
۸۹ پیمان مدینه
۹۰ حقوق بشر در عصر جانشینان پیامبر اسلام
۹۰ حقوق بشر در عصر غیبت
۹۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر
۹۲ نتیجه

فصل دوم: عقل عملی و آموزه سعادت

۹۵ مقدمه
۹۸ مبحث اول: کارکردهای عقل عملی
۹۸ گفتار اول: عقل عملی و ادراک
۹۸ تفاوت‌های عقل نظری و عقل عملی
۹۹ برداشت جدید از کارکرد عقل نظری و عملی
۱۰۰ توانایی عقل عملی در ادراک
۱۰۰ دلیل اول: نورانی کردن باطن
۱۰۰ دلیل دوم: انجام عمل صحیح
۱۰۱ دلیل سوم: وجه تسمیه عقل

۱۰۲	گفتار دوم: صدور اراده از عقل عملی
۱۰۳	دلیل اول: وجه تسمیه عقل عملی
۱۰۳	دلیل دوم: انجام عمل نیک از انسان
۱۰۴	دلیل سوم: وجه تسمیه عملی بودن عقل
۱۰۴	دلیل چهارم: استشهاد به آیات قرآن
۱۰۸	دلیل پنجم: استشهاد به روایات
۱۰۹	مبحث دوم: سعادت ابدی، هدف از زندگی
۱۰۹	گفتار اول: تعریف سعادت
۱۰۹	گفتار دوم: مراتب وجود
۱۱۲	گفتار سوم: انواع سعادت
۱۱۵	مبحث سوم: راه‌های رسیدن به سعادت
۱۱۵	گفتار اول: پیروی از شرع، یکی از راه‌های رسیدن به سعادت
۱۱۷	گفتار دوم: پیروی از عقل عملی (قانون طبیعی)
۱۱۹	نتیجه

فصل سوم: نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر

۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	مبحث اول: پیشینه قانون طبیعی
۱۲۵	گفتار اول: تاریخچه قانون طبیعی در غرب
۱۲۷	گفتار دوم: تاریخچه قانون طبیعی در اسلام
۱۳۲	مبحث دوم: مبانی و محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر
۱۳۲	گفتار اول: مبانی نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر
۱۴۱	گفتار دوم: محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر
۱۴۱	الف) مراتب نفس بشر
۱۴۲	۱. مرتبه گیاهی (نباتی) نفس بشر
۱۴۳	۲. مرتبه حیوانی نفس بشر

۱۴۳	۳. مرتبه عقلانی نفس بشر
۱۴۳	ب) امکانات طبیعی بشر
۱۴۴	۱. امکانات طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی
۱۴۴	۲. امکانات طبیعی بشر در مرتبه نفس حیوانی
۱۴۶	۳. امکانات طبیعی بشر در مرتبه نفس ناطقه
۱۴۶	امکانات طبیعی نفس در مرتبه عقلانی
۱۴۸	ج) گزاره‌های قانون طبیعی بشر در هر یک از مراتب سه‌گانه نفس
۱۴۸	۱. قانون طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی (گیاهی)
۱۵۱	۲. قانون طبیعی بشر در مرتبه نفس حیوانی
۱۵۳	۳. قانون طبیعی بشر در مرتبه عقلانی نفس
۱۵۸	نتیجه

فصل چهارم: مصادیق حقوق طبیعی بشر

۱۶۱	مقدمه
۱۶۶	مبحث اول: حق‌های بشری
۱۶۷	گفتار اول: اشتراکات و امتیازات حقوق (طبیعی و موضوعه) بشر
۱۶۷	الف) وجوه اشتراک حقوق طبیعی و حقوق موضوعه بشر
۱۶۷	۱. داشتن معنای شایستگی
۱۶۸	۲. منشأ داشتن
۱۶۹	۳. داشتن صاحب حق
۱۷۰	۴. داشتن موضوع
۱۷۰	۵. هدفمندی
۱۷۱	۶. کمالمندی
۱۷۲	۷. ارزشمندی (مطلوبیت)
۱۷۴	۸. استیفاپذیری
۱۷۴	ب) وجوه امتیاز (ویژگی‌های) حقوق طبیعی بشر

۱. طبیعی بودن (ذاتی بودن)..... ۱۷۵
۲. تکوینی بودن..... ۱۷۶
۳. ثبات داشتن (تغییرناپذیری)..... ۱۷۷
۴. برهان پذیری..... ۱۷۷
۵. فراگیری..... ۱۷۸
۶. فرامکانی..... ۱۷۸
۷. فرازمانی..... ۱۷۹
۸. وجوب استیفا..... ۱۷۹
۹. بداهت..... ۱۸۰
۱۰. اخلاقی بودن (نداشتن ضمانت اجرای بیرونی)..... ۱۸۱
۱۱. مرجعیت داشتن برای دیگر حقوق..... ۱۸۲
۱۲. داشتن اهمیت در تکامل بشر..... ۱۸۳
- گفتار دوم: اقسام حقوق (طبیعی) بشر..... ۱۸۳
- الف) حقوق گیاهی (نباتی)، حیوانی و عقلانی..... ۱۸۴
۱. حقوق گیاهی (نباتی) بشر..... ۱۸۴
۲. حقوق حیوانی بشر..... ۱۸۴
۳. حقوق عقلانی بشر (حقوق فطری)..... ۱۸۵
- ب) حقوق بنیادین (پایه) و غیربنیادین (غیر پایه)..... ۱۸۵
۱. حق حیات..... ۱۸۵
۲. حق آزادی..... ۱۸۶
۳. حق دسترسی به اطلاعات..... ۱۸۶
- الف) حق ادراک جزئی (درک حسی)..... ۱۸۷
- ب) حق یادگیری (آموزش)..... ۱۸۷
۴. حق اعمال خردمندی (عقلانیت عملی)..... ۱۸۹
۵. حق امنیت..... ۱۹۰
۶. حق مالکیت..... ۱۹۰

۷. حق تکامل ۱۹۲
۸. حق کرامت ۱۹۴
۹. حق کسب و اِعمال قدرت (در استیفا) ۱۹۴
۱۰. حق اخلاق و دین‌داری (پیروی از دین = حق = دین‌ورزی) ۱۹۵
- ج) حقوق اولیه و ثانویه ۱۹۵
- د) حقوق شخصی (فردی و اجتماعی) و گروهی ۱۹۷
- ه) حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق همبستگی ۱۹۹
- و) حقوق مثبت و منفی ۲۰۰
- مبحث دوم: مصادیق حقوق طبیعی بشر و بنیادهای آن ۲۰۲
- گفتار اول: حق حیات، منشور حقوق طبیعی بشر ۲۰۲
- مفهوم حیات ۲۰۳
- گفتار دوم: منشور حق حیات گیاهی بشر (حقوق طبیعی بشر در مرتبه نفس نباتی) ۲۰۵
- الف) حق تنفس در هوای پاک ۲۰۷
- ب) حق تغذیه سالم (امنیت غذایی) ۲۰۸
- حقوق (ثانویه) طبیعیِ مقدمه حق تغذیه سالم ۲۱۰
۱. حق داشتن سرپرست (در تأمین غذای سالم) ۲۱۱
۲. حق داشتن پرستار تغذیه ۲۱۲
۳. حق مالکیت (اعتباری) ۲۱۳
۴. حق تصرف در طبیعت ۲۱۴
۵. حق اشتغال (داشتن شغل) ۲۱۵
۶. حق انعقاد قرارداد ۲۱۶
۷. حق اجرای قرارداد ۲۱۶
۸. حق تجارت (خرید و فروش و...) ۲۱۷
۹. حق تأمین خدمات اجتماعی در امور تغذیه سالم ۲۱۷
۱۰. حق داشتن محیط‌زیست سالم ۲۱۸
- ج) حق سلامت ۲۲۰

- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق سلامت ۲۲۱
۱. حق ورزش ۲۲۱
۲. حق تفریحات سالم ۲۲۲
۳. حق مسکن ۲۲۳
۴. حق پوشاک ۲۲۴
۵. حق داشتن سرپرست (در امور سلامت) ۲۲۵
۶. حق داشتن پرستار (در امور سلامت) ۲۲۵
- (د) حق بهداشت (و درمان) ۲۲۶
- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق بهداشت (و درمان) ۲۲۶
۱. حق تأمین خدمات اجتماعی (در امور بهداشت و درمان) ۲۲۷
۲. حق امنیت بهداشت ۲۲۷
۳. حق داشتن سرپرست در امور بهداشت (و درمان) ۲۲۸
۴. حق داشتن پرستار در امور بهداشت (و درمان) ۲۲۹
- (ه) حق فرزندآوری ۲۳۱
- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق فرزندآوری ۲۳۲
۱. حق ازدواج ۲۳۲
۲. حق درمان ناباروری ۲۳۳
۳. حق دریافت مراقبت‌های پزشکی در دوره بارداری ۲۳۴
۴. حق حیات گیاهی بشر در یک نگاه ۲۳۵
- گفتار سوم: منشور حق حیات حیوانی بشر (حقوق طبیعی بشر در مرتبه نفس حیوانی) ۲۳۹
- (الف) حق ادراک حسی (حق استفاده از حواس ده‌گانه ظاهری و باطنی) ۲۴۱
- حق استفاده از حواس پنج‌گانه ظاهری ۲۴۳
۱. حق لمس کردن ۲۴۴
۲. حق چشیدن ۲۴۵
۳. حق بوییدن ۲۴۶
۴. حق شنیدن ۲۴۷

۵. حق دیدن ۲۴۸
- حق استفاده از حواس پنج‌گانه باطنی ۲۴۹
۶. حق درک صورت‌های حسی به‌طور انضمامی ۲۴۹
۷. حق یادآوری صورت‌های حسی ۲۵۰
۸. حق درک معانی جزئی ۲۵۱
۹. حق حفظ معانی جزئی ۲۵۲
۱۰. حق تصرف در صور و معانی ۲۵۳
- ب) حق آزادی در حرکت ۲۵۵
- ج) حق مالکیت حقیقی ۲۵۸
- د) حق کسب و اِعمال قدرت ۲۵۹
- ه) حق انتفاع ۲۶۰
- و) حق دفاع بدنی (امنیت جانی) ۲۶۱
- گفتار چهارم: منشور حق حیات عقلانی (حقوق طبیعی بشر در مرتبه نفس ناطقه) ۲۶۳
- الف) حق یادگیری (آموزش) ۲۶۴
- حقوق (ثانویه) طبیعیِ مقدمه حق یادگیری (آموزش) ۲۶۶
۱. حق داشتن معلم (آموزگار) ۲۶۶
۲. حق داشتن ارتباط با موجودات فراطبیعی ۲۶۷
۳. حق سوادآموزی (داشتن خط و زبان) ۲۶۸
۴. حق برخورداری از رسانه مطلوب ۲۶۸
- ب) حق آزادی ۲۶۹
- ج) حق تکامل (حق پرورش) ۲۷۱
- حقوق (ثانویه) طبیعیِ مقدمه حق تکامل (پرورش) ۲۷۶
۱. حق داشتن مربی (پرورش‌دهنده) ۲۷۶
۲. حق تشکیل حزب، گروه، انجمن، صنف و... ۲۷۷
۳. حق گرفتن وکیل ۲۷۷
۴. حق رقابت سالم ۲۷۸

۵. حق پیشرفت ملی (و منطقه‌ای و جهانی)..... ۲۷۹
- (د) حق امنیت..... ۲۸۰
- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق امنیت..... ۲۸۲
۱. حق داشتن قانون موضوعه..... ۲۸۲
۲. حق اجرای قوانین موضوعه..... ۲۸۳
۳. حق رعایت حریم خصوصی..... ۲۸۳
۴. حق رعایت حریم عمومی..... ۲۸۴
۵. حق تساوی انسان‌ها در برابر قانون (عدم تبعیض)..... ۲۸۵
۶. حق داشتن حاکم..... ۲۸۶
۷. حق داشتن ولایت سیاسی (حق حاکم شدن)..... ۲۸۶
۸. حق تعیین سرنوشت (حق رأی دادن)..... ۲۸۷
۹. حق صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز (حق تابعیت)..... ۲۸۹
- (ه) حق کرامت..... ۲۹۰
- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق کرامت..... ۲۹۳
- ۱ و ۲. حق رعایت حریم خصوصی و عمومی..... ۲۹۴
۳. حق برخورداری از دادخواهی عادلانه..... ۲۹۴
۴. حق رعایت شأن انسان پس از مرگ..... ۲۹۵
- (و) حق دفاع..... ۲۹۵
- حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق دفاع..... ۲۹۶
۱. حق پیشگیری از ورود خسارت..... ۲۹۶
۲. حق مجازات (و جبران خسارت)..... ۲۹۷
۳. حق رجوع به دادگاه صالح (دادخواهی)..... ۲۹۹
۴. حق ارائه ادله و اسناد اثبات دعوا..... ۲۹۹
۵. حق تقاضای تحمل شهادت به وسیله شاهد(ان) و ادای آن..... ۳۰۰
- (ز) حق اعمال خردمندی (عقلانیت عملی)..... ۳۰۰
- (ح) حق اخلاق و دین‌داری (دین‌ورزی)..... ۳۰۲

حقوق (ثانویه) طبیعی مقدمه حق اخلاق و دین‌داری (دین‌ورزی).....	۳۰۵
۱. حق تبلیغ شدن دین اسلام.....	۳۰۵
۲. حق مبارزه با فساد در جامعه (حق رعایت حریم عمومی).....	۳۰۶
گفتار پنجم: تراحم میان حق‌های طبیعی بشر.....	۳۱۰
نتیجه.....	۳۱۲

منابع و مأخذ

منابع فارسی.....	۳۱۳
منابع عربی.....	۳۱۶
منابع انگلیسی.....	۳۱۸

نمایه‌ها

نمایه آیات.....	۳۲۷
نمایه روایات.....	۳۲۸
نمایه اشخاص.....	۳۲۹
نمایه اصطلاحات.....	۳۳۰

پیشگفتار

حقوق طبیعی بشر، با همه پیشینه طولانی و اهمیت فراوانی که در زندگی بشر داشته و دارد، هنوز آن چنان که باید در کانون توجه انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی آنها قرار نگرفته است. همه می‌دانیم که دلیل آنکه انسانیم حقوقی با عنوان حقوق طبیعی داریم؛ اما به قدر کافی نمی‌دانیم این حق‌ها کدام‌اند و چگونه وجود آنها را برای خویش اثبات کنیم. همچنین، به طور کامل نمی‌دانیم چگونه باید این حقوق را استیفا کرد، همچنان که نمی‌دانیم چه کسی یا کدام گروه یا نهاد اجتماعی دولتی یا غیردولتی، ملی یا بین‌المللی، مسئول استیفاء این حق‌ها برای هر یک از انسان‌ها هستند.

واقعیت آن است که گفتمان حقوق بشر بیش از آنکه یک شعار سیاسی باشد که سیاست‌بازان برای پیشبرد مقاصد خود و تحقیر مخالفان خویش از آن استفاده می‌کنند، یک دکترین برای ارائه سبک زندگی است. جهان‌بینی نقش اساسی در تدوین نظریه حقوق طبیعی بشر دارد. اعتقاد ما به مبدأ و معاد و نیز نوع نگاه ما به جایگاه انسان در جهان هستی اثر مستقیم در فهم ما از حقوق طبیعی بشر دارد. حقوق طبیعی بشر همگی شایستگی‌هایی هستند که همزاد بشر بوده و انسان‌ها با استیفاء آنها به سعادت می‌رسند. اما اینکه سعادت چیست و چه مراتبی دارد، پرسش‌هایی هستند که با توجه به نوع جهان‌بینی باید به آنها پاسخ داد.

براساس آموزه‌های عقلی و نقلی در اسلام، اهمیت حقوق طبیعی بشر برای هر یک از انسان‌ها به دلیل آن است که این حقوق کلید حل معمای چگونگی حرکت تکاملی هر انسان در ساحت‌های گوناگون زندگی به سوی سعادت‌مندی و رسیدن به اوج قله‌های بلند انسانیت است؛ مقامی که همه ما آدمیان به طور فطری دانسته یا ندانسته در تکاپوی دستیابی به آن هستیم.

مراحل رسیدن به مقام والای انسان کامل در پرتو استیفاء حقوق طبیعی بشر عبارت‌اند از:

۱. مرحله شناخت برهانمند وجود هر یک از این حق‌ها در همه انسان‌ها؛

۲. مرحله شناخت سازوکارهای استیفای هریک از این حقوق؛

۳. مرحله اقدام عملی برای استیفای هریک از این حق‌ها.

به یقین مرحله نخست از این مراحل سه‌گانه نقش مؤثرتری در حرکت صعودی انسان به سوی سعادت دارد. دلیل این امر آن است که این مرحله، مرحله شناخت یقینی هریک از حقوق طبیعی است. شناخت مسیر حرکت هم مقدم بر مراحل دیگر بوده و هم مهم‌تر از آنهاست. در این مرحله، آدمی باید با نور عقل راه سلوک به سوی سعادت را بشناسد، آنگاه در آن مسیر قدم بگذارد.

تاکنون نگارنده با نوشته‌ای که هریک از حق‌های طبیعی بشر را به صورت مستدل اثبات کرده باشد، مواجه نشده است. بنابراین، مسئله اصلی این کتاب شناخت برهانمند حقوق طبیعی بشر به مثابه اولین مرحله تکامل بشر بوده و این کتاب در راستای فراهم‌آوری این شناخت نگاشته شده است. این کتاب در تلاش است همه حق‌های طبیعی بشر را از زیرین‌ترین لایه‌های طبیعت بشر براساس مبانی فلسفه اسلامی کشف کند و با استدلال بر وجود هریک از آنها در ترسیم نخستین مرحله حرکت تکاملی بشر به سوی غایت مطلوب هر انسان آنها را نشان دهد. به سخن کوتاه، این کتاب اولین اثری است که به شیوه عقلی درصدد شناسایی برهانمند هریک از حقوق ۷۸گانه طبیعی بشر برآمده است.

پرسش اصلی این نوشتار آن است که حقوق طبیعی بشر کدام‌اند؟ برای دستیابی به پاسخ آن چهار فصل تنظیم شده است. هریک از این فصل‌ها به طور جداگانه، اما با توجه به پرسش اصلی، درصدد پاسخ‌گویی به سؤالی مستقل هستند. این سؤالات که با عنوان پرسش‌های فرعی شناخته می‌شوند و هر فصل برای پاسخ‌گویی به آنها نوشته شده است، به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. مفاهیم اصلی مورد توجه در بحث حقوق طبیعی بشر و مبانی آن کدام‌اند و پیشینه

تاریخی بحث از این حقوق به کدام دوره زمانی زندگی بشر بازمی‌گردد؟

۲. عقل عملی چیست و هدف از زندگی بشر را تأمین چه امری می‌داند؟

۳. نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر چیست و چه نقشی در تأمین سعادت بشر دارد؟

۴. مصادیق برهانمند حقوق طبیعی بشر کدام‌اند؟

با توجه به این پرسش‌های فرعی چهارگانه، این کتاب چهار فصل دارد. هریک از این فصول به ترتیب برای پاسخ دادن به این سؤالات نوشته شده است. براین اساس، مطالب فصل اول با

عنوان «مفاهیم، مبانی و تاریخچه» درصدد پاسخ‌گویی به پرسش اول هستند. این پرسش آن بود که: مفاهیم اصلی مورد توجه در بحث حقوق طبیعی بشر و مبانی آن کدام‌اند و پیشینه تاریخی بحث از این حقوق به کدام دوره زمانی زندگی بشر بازمی‌گردد؟ از این رو، محتوای فصل اول در چارچوب سه مبحث جداگانه تنظیم شده است. مبحث نخست مفاهیم «حق»، «طبیعی»، «بشر» و «حقوق بشر» را در چهار گفتار بررسی کرده است. در مبحث دوم، مبانی حقوق طبیعی بشر در پنج گفتار بیان شده است. گفتار اول مبنا بودن اصل توحید را برای حقوق طبیعی بشر بیان کرده است. گفتار دوم به مسئله هدفمند بودن جهان و اصلح بودن نظام هستی، به عنوان دومین مبنای حقوق طبیعی بشر، پرداخته است. جایگاه انسان در جهان آفرینش موضوع گفتار سوم از مبحث دوم از فصل اول کتاب است. ابتدای باید بر هست و ارتباط میان حقوق طبیعی و سعادت بشر در دو گفتار بعد بررسی شده‌اند. مبحث سوم از فصل نخست بحث تاریخی درباره حقوق (طبیعی) بشر را در دوره‌های گوناگون تمدن شرق و غرب و در دوره تمدن اسلامی در پنج گفتار به طور مختصر مطرح کرده است.

مطالب فصل اول مقدمه‌ای برای ورود در فصل‌های بعدی کتاب است. برای آنکه عقل بتواند حق‌های طبیعی بشر را در فصل آخر کتاب کشف کند، باید به قوانین طبیعی حاکم بر رفتار آدمی (قانون طبیعی بشر) در فصل سوم دست یابد. برای شناسایی قوانین طبیعی صادرشده از عقل عملی ناگزیریم عقل عملی و انواع سعادت بشر را در فصل دوم بشناسیم. به این دلیل مطالب فصل دوم مقدم بر مطالب فصل سوم بوده و فصل سوم نیز به لحاظ منطقی بر مطالب فصل آخر تقدم دارد. بنابراین، فصل‌های این کتاب از اول تا آخر به ترتیب بر یکدیگر ترتب منطقی دارند. شاید این چینش منطقی سبب شود مطالعه مطالب این کتاب، با آنکه بیشتر عقلی (فلسفی) هستند، برای خواننده ملال‌آور نباشد.

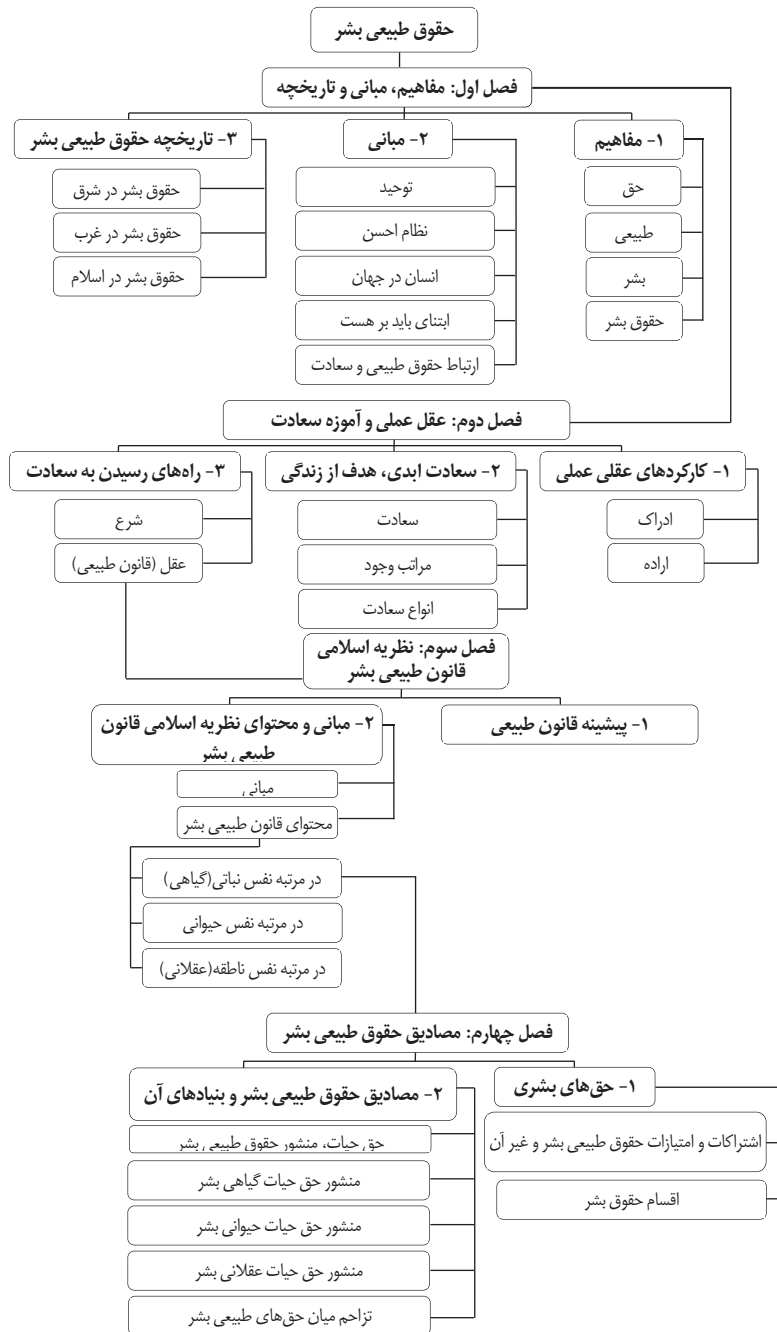
مطالب فصل دوم برای پاسخ‌گویی به دومین پرسش فرعی نوشته شده‌اند. آن پرسش این بود: عقل عملی چیست و هدف از زندگی بشر را در تأمین چه امری می‌داند؟ بر این اساس، فصل دوم با عنوان «عقل عملی و آموزه سعادت» در سه مبحث تنظیم شده است. مبحث اول کارکردهای عقل عملی را در دو گفتار جداگانه بررسی کرده است. حاصل این مبحث آن است که عقل عملی دو شأن از هم جدا و به هم مربوط دارد. شأن نخست عقل عملی درک گزاره‌های عملی یا به اصطلاح، درک خوب و بد و نیز درک باید‌ها و نبایدهاست؛ و شأن دیگر عقل عملی صدور اراده از آن است. مبحث دوم، سعادت ابدی را، به عنوان هدف از زندگی بشر و غایت مطلوب او از زندگی در این دنیا،

توضیح داده و مراتب سعادت انسان را معرفی کرده است. راه‌های رسیدن به سعادت در مبحث سوم نشان داده شده است. پیروی از عقل (عملی) و شرع، به‌عنوان دو راه جداگانه اما به هم مربوط برای رسیدن به سعادت، مورد توجه این مبحث است. مراد از پیروی از عقل عملی تبعیت از قانون طبیعی بشر است. قانون طبیعی بشر فرمان‌های عقل عملی برای رسیدن انسان به سعادت است.

مطالب فصل سوم با عنوان «نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر» بر مطالب فصل دوم ترتب منطقی دارند. فصل سوم برای پاسخ دادن به این پرسش نگاشته شده است که نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر چیست و چه نقشی در تأمین سعادت بشر دارد. این فصل در بردارنده دو مبحث است. در مبحث نخست، گزارشی کوتاه از دکتترین قانون طبیعی در غرب و اسلام بیان شده است. مبحث دوم، مبانی و محتوای نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر را به‌عنوان تنها دلیل وجود حقوق طبیعی بشر ارائه کرده است. قانون طبیعی بشر فرمان‌های عقل عملی است که با نگاه به طبیعت بشر در مراتب سه‌گانه نفس (گیاهی، حیوانی و عقلانی) و با توجه به شایستگی انسان برای رسیدن به مقام والای انسان کامل صادر می‌شوند.^۱

با استفاده از تحلیل گزاره‌های قانون طبیعی بشر، در فصل چهارم با عنوان «مصادیق حقوق طبیعی بشر» به اکتشاف این حقوق ۷۸ گانه طبیعی هر انسان پرداخته شده است. این فصل مهم‌ترین فصل این کتاب است. هدف اصلی نگارش این کتاب در آخرین فصل آن تأمین می‌شود. فصل چهارم به این پرسش فرعی پاسخ می‌دهد که مصادیق برهانمند حقوق طبیعی بشر کدام‌اند؟ بر این اساس، دلیل‌های حق‌های طبیعی بشر در این فصل بیان شده‌اند. در مبحث اول این فصل، نقاط اشتراک حقوق طبیعی بشر با دیگر حق‌ها، امتیازهای آن حقوق و اقسام حقوق طبیعی بشر توضیح داده شده‌اند. در مبحث دوم، همه حق‌های طبیعی بشر در مراتب سه‌گانه نفس با عنوان منشور حق حیات گیاهی (نباتی)، حیوانی و عقلانی از آموزه اسلامی قانون طبیعی بشر در چند گفتار مستقل استنباط شده و درباره آنها توضیح داده شده است. تراحم میان حقوق طبیعی بشر و راه‌حل این تراحم، موضوع آخرین گفتار مبحث دوم فصل چهارم کتاب است. چنین ترتب منطقی مطالب این کتاب را می‌توان به زبان نموداری زیر بیان کرد:

۱. برای اطلاع کامل از قانون طبیعی بشر، ر.ک. محمدحسین طالبی، قانون طبیعی، کتاب اول: مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی در غرب و محمدحسین طالبی، قانون طبیعی، کتاب دوم: نظریه اسلامی قانون طبیعی بشر.



کتاب حقوق طبیعی بشر حاصل سال‌ها مطالعه، تفکر، بحث و مناظره، اجرای کرسی‌های نظریه‌پردازی و تدریس نگارنده از زمان شروع آن است. این کتاب به‌منظور هم‌اندیشی با استادان، محققان و دانشجویان رشته‌های فلسفه، حقوق، حقوق بشر، علوم سیاسی و فلسفه‌های مضاف که به نوعی با مسئله حقوق بشر سروکار دارند، همانند فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و به‌ویژه فلسفه حق و فلسفه حقوق بشر، درباره حقوق طبیعی بشر نگاشته شده است. امید است خوانندگان محترم نویسنده را از پیشنهادهای سازنده خود برای اصلاح چاپ‌های بعدی بهره‌مند فرمایند.

محمدحسین طالبی

قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مرداد ۱۴۰۲

فصل اول

مفاهیم، مبانی و تاریخچه

- مفاهیم مربوط به حقوق طبیعی بشر
- مبانی حقوق طبیعی بشر
- تاریخچه حقوق طبیعی بشر

مقدمه

این فصل یک مقدمه، سه مبحث و یک نتیجه دارد. در مبحث نخست مفاهیم به‌کاررفته در عنوان کتاب، یعنی مفهوم واژگان حق، طبیعی و بشر توضیح داده می‌شود؛ مبحث دوم درباره برخی از مهم‌ترین مبانی حقوق طبیعی بشر است و در آن امور زیر پیگیری می‌شود: اصل یگانگی خدای متعال، هدفمند بودن و نظام احسن داشتن جهان هستی، جایگاه انسان در جهان، مسئله ابتدای بایدها بر هست‌ها و بررسی رابطه حقوق طبیعی و سعادت. مبحث سوم تاریخچه مختصری از حقوق طبیعی بشر را گزارش می‌کند. تاریخچه حقوق بشر در مشرق‌زمین پیش از دوره تمدن غربی یونان و روم باستان و نیز تاریخچه مختصر حقوق بشر در غرب از دوره باستان تاکنون و همچنین، تاریخچه حقوق طبیعی بشر در اسلام مطالبی هستند که در این مبحث از نظر خواهند گذشت.

مبحث اول: مفاهیم مربوط به حقوق طبیعی بشر

بررسی محتوای مفاهیم کلمات مفرد در عنوان این کتاب، یعنی حقوق طبیعی بشر، از اهداف این مبحث است. این مبحث چهار گفتار دارد. در گفتار اول واژه حق تعریف می‌شود. گفتار دوم مراد طبیعی بودن حق را توضیح می‌دهد. مفهوم بشر، یعنی ماهیت حقیقی انسان در گفتار سوم این مبحث از نگاه عقل تبیین خواهد شد. تعریف حقوق بشر موضوع گفتار چهارم است.

گفتار اول: تعریف حق

واژه حقوق در عبارت «حقوق طبیعی بشر» جمع کلمه «حق» است. این کلمه ترجمه واژه «the right» در زبان انگلیسی، «droit» در زبان فرانسه و «recht» در زبان آلمانی است (طالبی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴). هرچند این واژه با محتوای «حق» (داشتن) به لحاظ ساختاری در زبان و ادبیات انگلیسی ساختار اسمی دارد، اما به صورت وصفی در معنای حق بودن نیز به کار می‌رود. حق در این صورت به معنای «ضد باطل»، «خوب»، «صحیح» و «صادق» است و در مقابل مفاهیم «باطل»، «بد»، «ناصحیح» و «کاذب» از آن استفاده می‌شود (ابن منظور، ۱۹۹۷، ص ۱۲۲-۱۲۴).

شایان ذکر است که کلمه حق به مثابه مفرد واژه حقوق، کاربرد اسمی مفهوم حق است، نه کاربرد وصفی آن. شاید یکی از مهم‌ترین نکات در تاریخ پیدایش مفهوم حق تفکیکی باشد که میان این دو کاربرد اعمال شده است (راسخ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱ و ص ۱۸۶). مفهوم «حق داشتن»^۱ مصدر همان معنای اسمی و مفهوم «حق بودن»^۲ مصدر معنای وصفی کلمه «right» است.

پیش از بیان هر پیشنهادی به عنوان تعریف واژه حق، توجه به دو نکته ضروری است:

الف) تعریف حق، همانند هر تعریف دیگر، باید سه ویژگی داشته باشد: ۱. جامع افراد باشد، یعنی هرگاه در موردی واژه حق داشتن به کار رود، آن مورد مصداقی از آن معنا (تعریف) باشد؛ ۲. مانع اغیار باشد، یعنی موردی یافت نشود که آن مورد با آنکه مصداقی از آن معناست، واژه حق بر آن مورد اطلاق نشود؛ ۳. حمل آن معنا بر واژه حق حمل مفهوم بر مفهوم (حمل اولی ذاتی) باشد، نه حمل مفهوم بر مصداق (حمل شایع صناعی).

ب) مراد از حق در بحث از تعریف حق، حق مطلق است. حق مطلق به معنای حق

1. Having a right.

2. Being right.

غیرمقید به هر قیدی است که دامنه حق را محدود می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم معنای حق مقید را با هر قیدی، مثل قید اخلاقی، قانونی، سیاسی، قضایی، فردی، اجتماعی، اقتصادی، مادی، معنوی و... بدانیم، باید آن قید را به معنای حق اضافه کنیم.

می‌توان گفت واژه حق (غیرمقید) در گفتمان حق (یعنی حق داشتن) به معنای «شایستگی داشتن موجودی نسبت به چیزی» است (طالبی، ۱۳۹۳، ص ۷۲). در این تعریف، مراد از «موجود» صاحب حق بوده و مقصود از «چیز» متعلق حق است که گاهی داشتن یا نداشتن یک صفت و گاهی انجام شدن، انجام دادن یا ترک کردن یک عمل است. همچنین، مصداق «چیز» در این تعریف می‌تواند غایت مطلوب صاحب حق و یا مقدمات آن باشد.^۱

به نظر می‌رسد این تعریف از واژه حق هر سه شرط بالا را به شرح زیر دارد:

۱. این تعریف جامع همه افراد حق است. براین اساس، همه صاحبان حق شایستگی داشتن موضوع و متعلق حق را دارند. فرقی نمی‌کند که صاحب حق غیرمادی (مجرد) باشد یا مادی؛ جاندار باشد یا بی‌جان؛ مختار باشد یا مجبور. همچنان که برترین موجود در جهان، یعنی خدای متعال، می‌تواند حق داشته باشد، پست‌ترین موجود نیز می‌تواند نسبت به چیزی حق، یعنی شایستگی، داشته باشد. همچنان که موجود کامل مختار را می‌توان صاحب حق دانست، موجودات بی‌اختیار نیز می‌توانند صاحب حق باشند. بنابراین، لازمه شایسته بودن صاحب حق، مختار بودن او نیست. از این رو، افزون بر کودکان و حیوانات، گیاهان و جمادات نیز می‌توانند حق داشته باشند.

همچنین، همه انواع حق‌ها داخل این تعریف هستند. فرقی نمی‌کند که این حقوق، مثل حق حیات بشر، واجب‌الاستیفا^۲ باشند، یعنی اسقاط آنها جایز نباشد یا آنکه، مثل حق دریافت دستمزد، جایز‌الاستیفا باشند، یعنی اسقاط آنها جایز باشد. به بیان دیگر، حقیقت شایسته بودن هم با سلطه نداشتن صاحب حق بر حق خویش، یعنی عدم جواز اسقاط حق، سازگاری دارد و هم با تسلط صاحب حق بر حق خود و جواز اسقاط آن سازگار است. بنابراین، هم در حقوق جایز‌الاستیفا و هم در حقوق واجب‌الاستیفا نوعی شایستگی برای صاحبان حق در داشتن یا

۱. اگر حق، غایت مطلوب صاحب حق باشد به آن حق اصیل گفته می‌شود. اما اگر حق، مقدمه حق اصیل باشد، می‌توان آن را حق تبعی نامید (طالبی، ۱۳۹۳، ص ۹۴-۱۰۰).

۲. حق واجب‌الاستیفا حقی است که صاحب آن باید در استیفا و حفظ آن بکوشد. بنابراین، وی نمی‌تواند از آن صرف نظر کند. حقوق واجب‌الاستیفا نمونه‌های فراوانی دارند که از جمله آنها حق حیات است. حقوق دانان به این نوع حق‌ها حکم می‌گویند (برای آشنایی بیشتر با حق واجب‌الاستیفا ر.ک: طالبی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).

نداشتن وصفی یا انجام دادن یا ترک کردن عملی یا انجام شدن یا نشدن کاری برای آنها وجود دارد. برای نمونه، وقتی می‌گوییم حق حیات یکی از حقوق لازم و واجب‌الاستیفای بشر است، به لیاقت و شایستگی انسان نسبت به داشتن حیاتی مادی اشاره کرده‌ایم که تا پایان عمر لازمه وجود جسمانی اوست.

کوتاه سخن آنکه وقتی گفته می‌شود کسی حقی دارد به معنای آن است که او لایق است وصفی داشته یا نداشته باشد یا شایستگی دارد کاری برایش انجام شود یا کاری را انجام دهد یا آن را ترک کند. در اینجا، شایستگی هم با وجوب عمل و یا لزوم داشتن صفت و هم با عدم وجوب آن دو سازگار است.

۲. همچنین، تعریف حق به شایستگی مانع اغیار است؛ زیرا این تعریف موارد نامربوط به حق را از قلمرو آن خارج می‌کند. به دیگر سخن، هر جا شایستگی باشد، در آنجا حق نیز وجود دارد. ۳. حمل شایستگی بر حق حمل اولی ذاتی - حمل مفهوم بر مفهوم - است. در میان همه معنایی که تاکنون به حق نسبت داده شده‌اند، فقط شایستگی این خصوصیت را دارد که حمل آن بر حق، حمل اولی ذاتی است. وقتی می‌گوییم «حق شایستگی است»، مقصود آن است که حق و شایستگی، افزون بر آنکه مساوق بوده و مصادیقشان یکی است، مترادف، یعنی هم‌معنا، نیز هستند.

گفتار دوم: طبیعی بودن حق

وجه تسمیه حقوق طبیعی چیست؟ چرا آنها را «طبیعی» می‌گویند؟ آیا ممکن است طبیعی بودن حقوق به دلیل اشتقاق آنها از طبیعت انسان باشد؟ اگر چنین است، آیا مراد از «طبیعت انسان»، وجود اوست یا هدف او؟ به بیان دیگر، آیا حق‌های طبیعی حقوقی هستند که مطابق مقتضیات وجود آدمی باشند، یا آنها حق‌هایی هستند که انسان را در رسیدن به هدف‌هایش کمک می‌کنند؟ آیا طبیعی بودن حقوق طبیعی به این دلیل است که می‌توان آنها را از قوای طبیعی بشر، مثل عقل یا وجدان او به دست آورد یا آنکه آنها از جهان طبیعت اشتقاق یافته‌اند؟ آیا ممکن است دلیل طبیعی بودن حقوق طبیعی بشر این باشد که بگوییم هر چند این حق‌ها درباره انسان هستند، اما چون در طبیعت جهان، وجود دارند با انسان نیز نسبت دارند؟ آیا ممکن است دلیل طبیعی بودن یک حق، ترکیبی از چند یا همه صورت‌های بالا باشد؟ به دلیل آنکه واژه «طبیعی» صفتی است که از کلمه «طبیعت» گرفته شده، برای رسیدن به مفهوم «طبیعی بودن حق» ابتدا باید معنای «طبیعت» به درستی فهمیده شود. آنگاه از میان

معانی گوناگون «طبیعی» آن معنایی را که تناسب بیشتری با واژه حق دارد، باید به حق نسبت داد. از این رو، در این گفتار، نخست معنای «طبیعت» بررسی می‌شود، سپس از این رهگذر معنای «قانون طبیعی»^۱ - که قرابت فراوان با حقوق طبیعی دارد و در واقع، بنیاد حقوق طبیعی^۲ است - واکاوی می‌شود. آن‌گاه معنای «حق طبیعی» به دست خواهد آمد.

۱. طبیعت و قانون طبیعی

الف) طبیعت

میان واژه «طبیعت» و عبارت «قانون طبیعی» ارتباطی عمیق وجود دارد. کلمه «طبیعت» در متون فلسفه یونان، لفظی مشترک با کاربردهای متنوع است. این واژه پیشینه‌ای گسترده در آثار مکتوب دانشمندان در غرب دارد. در قرن ششم پیش از میلاد، نخستین اندیشوران یونانی که خردورزی را جایگزین افسانه‌پردازی پیشینیان کردند، در صدد پاسخ‌گویی به بنیادی‌ترین مسئله هستی‌شناسانه زمان خود برآمدند که عنصر تشکیل‌دهنده جهان طبیعت چیست.

از این رو، در میان آثار فیلسوفان یونانی پیش از سقراط نوشته‌هایی با نام درباره طبیعت^۳ یافت می‌شود (طالبی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲). آن‌چنان که افلاطون می‌گوید: برخی از سوفیست‌ها [ای قرن پنجم پیش از میلاد] میان آنچه که به‌طور طبیعی صحیح است و آنچه که به‌لحاظ قانونی صحیح است، فرق می‌گذاشته‌اند، هرچند ملاک آنها در تعیین صحت امر طبیعی یکسان نبوده است. برخی، مانند کلیکلس^۴، تسلط شخص قوی را محتوای طبیعت دانسته و برخی دیگر، مانند هیپپاس^۵ و آنتیفن^۶، برابری مردم را مقتضای طبیعت می‌دانسته‌اند.^۷

کلمه «طبیعت» در ادبیات فلسفی یونان باستان، معانی متفاوتی داشته است. فیلسوفان پیش از سقراط آن را به‌طور مکرر در معنای «ذات موجودات» به‌کار برده‌اند. همچنین، آنها

1. Natural law.

2. Natural rights.

3. On Nature-Peri Physeos.

4. Callicles.

5. Hippias.

6. Antiphon.

۷. برای اطلاع بیشتر درباره کلیکلس ر.ک: Plato, (1961) *Gorgias* (a) 38-39, 483b-484a و درباره هیپپاس ر.ک: Plato, (1956) *Protagoras*, 24, 337b و درباره آنتیفن ر.ک: DK 87b 44, b2, a-1-4.

«طبیعت» را به معنای نیروی ذاتی موجود در اشیا و گاهی نیز به معنای اصل و ریشه (منشأ پیدایش) موجودات می‌دانستند (Grant, 1952, p.5).

افلاطون در کتاب جمهوری^۱ واژه «طبیعی» را در معنای «عادی و سالم»^۲ به کار برده است. به نظر او، آنچه عادلانه و خوب باشد، موجودی طبیعی است (Plato, 1961a, IV, 444d, VI, 501b). توجه به این نکته لازم است که امر طبیعی و عادلانه در نظر افلاطون اولاً و بالذات عبارت است از: مثال‌های (افلاطونی) موجود در جهان مجردات. هرچه موجودات مادی شباهت بیشتری به مثال خود در عالم مجردات داشته باشند، طبیعی‌تر خواهند بود.

ارسطو در کتاب فیزیک چهار معنا برای واژه «طبیعت» برشمرده است (Aristotle, 1970, Book II, Ch.1). او در کتاب متافیزیک دو معنای دیگر بر آن افزوده است (Aristotle, 1956, Book Delta, Ch. IV, 1014b–1015a). این شش معنا عبارت‌اند از:

۱. اثر موجودات نامی، یعنی اثر موجودات زنده؛
 ۲. جزء ذاتی هر موجود نامی که موجب رشد آن موجود می‌شود؛
 ۳. منشأ ذاتی اولین اثر هر موجود نامی از حیث نمو؛
 ۴. عناصر اولیه هر چیز؛
 ۵. ذات موجودات طبیعی؛
 ۶. هر نوع جوهر، به گونه‌ای که طبیعت نیز نوعی جوهر محسوب شود.
- اپیکور طبیعت جهان را به معنای اجسام توخالی می‌دانست. او واژه «طبیعت» را از دیمقراطیس^۳ گرفت. دیمقراطیس این واژه را مترادف با «اتم» معرفی می‌کرد. وی همچنین، واژه «طبیعت» را در مورد وجود به کار برده و نیز همانند افلاطون، آن را بر هر چیز عادی اطلاق می‌کرد.
- رواقیان بیش از دیگر فیلسوفان یونانی، از واژه «طبیعت» استفاده می‌کردند. آنها این کلمه را در معانی گوناگون به کار می‌بردند. گاهی آن را مساوی وجود می‌دانستند؛ زمانی آن را در مفهوم خدا استعمال می‌کردند. در برخی عبارت‌های رواقیان، «طبیعت» به معنای «زئوس»^۴،

1. Republic.

2. Normal and Healthy.

3. Democritus.

4. Zeus.